

Analyzing the Importance and Value of Asking for Forgiveness from the Perspective of the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Authors

Marzieh Pilehvar ^{1*}
Zohreh Shoaie ²

How to cite this article

Marzieh Pilehvar, Zohreh Shoaie, Analyzing the Importance and Value of Asking for Forgiveness from the Perspective of the Holy Quran, *Journal of Quran and Medicine*, 2023;7(4):1-9.

1. Assistant Professor of Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor of Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: pilehvar.ma@gmail.com

Article History

Received: 2022/10/02

Accepted: 2023/01/05

ABSTRACT

Examining forgiveness from the perspective of the Holy Qur'an is the subject of this article, and considering the nature of the research, the descriptive-analytical method and the library technique have been chosen for it. And it has been stated that forgiveness is the covering of sin and is one of the attributes of God's action. In the following, the position and importance of asking for forgiveness is examined and stated, since man is always exposed to sins and satanic temptations, and sometimes due to negligence, he may become infected with sins, he should immediately expose himself to God's infinite mercy by asking for forgiveness. give and purify his soul contaminated by sin so that he is safe from the evil and ugly effects of sin and does not suffer from divine punishments. Because asking for forgiveness will not be hasty in punishment towards a person or a group. And it has been said that asking for forgiveness is not limited to a specific time and place. The end of asking for forgiveness at night, at dawn, in the months of Rajab and Ramadan, and... the deserts of Arafat and Mina, Masjid al-Haram and Masjid al-Nabi, etc. are emphasized more.

Keywords: Forgiveness, Seeking Forgiveness, Seeking Forgiveness, Asking for Forgiveness, Quran.

واکاوی اهمیت و ارزش آموزش خواهی از دیدگاه

قرآن کریم

مرضیه پيله ور^{*۱}

استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

زهرا شعاعی^۲

استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

بررسی آموزش خواهی از دیدگاه قرآن کریم موضوع این مقاله بوده و با توجه به ماهیت تحقیق روش توصیفی - تحلیلی و فن کتابخانه ای برای آن انتخاب گردیده است. و بیان شده که مغفرت همان ستر و پوشاندن گناه بوده و از صفات فعل خداوند است. در ادامه جایگاه و اهمیت آموزش خواهی بررسی شده و بیان گردیده از آنجا که انسان همواره در معرض گناهان و وسوسه شیطانی قرار دارد و گاه در اثر غفلت ممکن است آلوده به گناه شود بایستی بی درنگ خود را با طلب آموزش در معرض رحمت بیکران الهی قرار دهد و روح آلوده به گناه خویش را پاک گرداند تا از آثار سوء و زشت گناه در امان بماند و به مجازات و عقوبتهای الهی دچار نشود. چون طلب آموزش موجب می شود تا استعجال در عذاب نسبت به شخص و یا گروهی انجام نشود. و گفته شده استغفار محدود به زمان و مکان خاصی نیست. منتهی استغفار در شب، سحرگاهان، ماههای رجب و رمضان و... صحراهای عرفات و منا، مسجد الحرام و مسجد النبی و... بیشتر تاکید شده است.

کلمات کلیدی: آموزش، استغفار، آموزش خواهی، استغفار طلبی، قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

*نویسنده مسئول: pilehvar.ma@gmail.com

مقدمه

خداوند متعال بسیار آموخته است و مهربان و بندگان گناهکارش را می بخشد. اگر بنده ای گناه کند، آنگاه به درگاه خدا توبه نماید و خود را اصلاح گرداند، مغفرت و آموزش خداوند را بدست می آورد. آیات قرآنی و احادیث نبوی که از مغفرت و آموزش خداوند، سخن می گویند، بسیارند. هنگامی که انسان روایات و آیات الهی را می خواند، روانش آرام می گیرد، و اعضا و جوارح انسان در برابر خداوند خاشع می شوند، زیرا این آیات و روایات عقل و وجدان او را مورد خطاب قرار داده و تمام احساسات او را تحریک می کند و انسان را نسبت به جامعه و خانواده مسئولیت پذیر می کند. خداوند بندگان را دوست دارد و زمینه هدایت، استواری و توبه را برای آنان فراهم می کند، ولی انسان تکبر می ورزد و با گستاخی تمام در حضور او معصیت و گناه می کند.

همه انسانها بجز انبیا و اولیای الهی در زندگی خود دچار خطا و لغزش شده و گناهان کوچک و بزرگ را مرتکب می شوند بنابراین بایستی به خدا پناه برند تا خداوند آنها را در نوعی عصمت و مصونیت از گناه و عمل به خطا قرار دهد. یعنی انسانی که طلب آموزش می کند از خدایش می خواهد که وی را تحت پوشش خویش قرار دهد و چیزی را به عنوان حافظ و نگهدار در آورد تا از آسیب های احتمالی در امان قرار گیرد. طلب آموزش اختصاص به برخی انسانها ندارد بلکه همه پیامبران آن را از خدای خود می خواستند (آل عمران/۱۴۷-۱۴۶) و حتی پیامبر بزرگوار(ص) که در مقام «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم/۹)؛ «تا فاصله اش به قدر طول دو انتهای کمان یا نزدیکتر شد». نشسته و نزدیکتر از آن منزلت نمی توان نسبت به خداوند تصور و تصویر کرد، با این همه مأمور می شود تا برای خویش طلب آموزش کند. (نصر/۳) چنانکه واسطه و شفیع عمل کند تا خدا رحمت خویش را برای مومنان سرازیر نماید. نیز این آموزش خواهی تنها به خطاهایی چون قتل، قضاوتهای عجولانه، ظلم و ستم یا مطلق گناه محدود نمی شود بلکه انسان می بایست در همه حال حتی اگر به ظاهر گناه و خطا و اشتباهی نکرده است طلب غفران و پوشش کند تا تحت حمایت و محافظت خداوند قرار گیرد و از گناههای احتمالی در امان بماند و مصونیت یابد هم چنان که آموزش خواهی نه تنها در حق خود بلکه در حق دیگر گناهکاران از زنان و مردان نیز جاری است و تنها استثنایی که شده برای مشرکان و منافقان است که جایز نیست مومن در حق ایشان درخواست غفران نماید. در قرآن کریم به مغفرت توجه خاصی شده است و همچنین در سیره ی اولیاء خداوند بخش مهمی از زندگانی آنان را مغفرت خواهی از خداوند شکل می دهد در قرآن کریم حدود سی آیه بیان کننده آموزش خواهی انبیا و دستور آنان به طلب آموزش است و در پنج آیه هم به پیامبر اسلام دستور آموزش خواهی می دهد هم چنان که در آیه «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/۵۲)؛ «و ای قوم من، از پروردگارتان آموزش

است و حق عبادت و پرستش را به جا آورده است. از این روست که گفته می شود انسان هر اندازه به کمال دانشی و عملی دست یابد باز نیازمند پوششی است که خداوند به مهر و مغفرت وی را در بر گیرد و به عنایت و فضل خویش او را حفظ و به سوی کمال مطلق رهنمون سازد.

در آیات قرآنی دو مسئله به عنوان عامل بازدارنده از خشم و عذاب الهی مطرح شده است. که موجب می شود تا استعجال در عذاب نسبت به شخص و یا گروهی انجام نشود. این دو امر عبارتند از: وجود مبارک و پر خیر و برکت حضرت ختمی مرتبت پیامبر اکرم (ص) و دیگری امکان آموزش خواهی، این دو سبب می شود که انسان در هر حال در امنیت قرار گیرد. (۲)

بر این اساس مسئله استغفار در آموزه های قرآنی به عنوان یکی از مهمترین علل بازدارنده از عذاب های دنیوی و اخروی مطرح می شود حتی به پیامبر گرامی (ص) دستور و سفارش شده است که مغفرت طلبی را به عنوان یک اصل همواره تکرار کند و مورد توجه قرار دهد.

در آیات متعددی از قرآن سخن از استغفار در شبانه روز به میان آمده است «وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَ سَجَّ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْبُكْرِ» (غافر/۵۵)؛ «و برای گناهت آموزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش». و در برخی از روایات است که آن حضرت هرگاه از نزد جمعی بر می گشت به استغفار مشغول می شد. نیز می فرماید: «إِنَّ لِيغَانِ عَلِيَّ قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً» (۳) گاهی قلبم را غبار می گیرد و من به همین سبب روزی هفتاد بار استغفار می کنم. استغفار امری است که حتی رسول خدا در نماز شب بیش از هفتاد مرتبه از خدایش طلب می کرد و در هر نمازی به زبان می آورد. در اهمیت مغفرت طلبی همین بس که خداوند در بیان شکر و سپاس گزاری نعمت بزرگ ایمان آوری مردمان، از آن حضرت می خواهد که استغفار به جای آورد. «فَسَجَّ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/۳)؛ «پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آموزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است.».

اهمیت و ارزش آموزش خواهی

گناهان در زندگی دنیوی و اخروی انسان اثرات بسیار زیانباری دارند. می توان گناه را آفت درخت زندگی انسان دانست، هم چنان که در درختان و گیاهان، آفت ها مانع طراوت و سلامت و ثمردهی است، در مورد انسان نیز گناهان مانع رسیدن انسان به سعادت و آرامش زندگی سالم و پرثمر است به همین علت است که پیشوایان دینی ما بعد از ایمان به خدا، پرهیز جدی از گناهان را بیش از هر چیز دیگر توصیه کرده اند. اما از آنجا که انسانها معصوم از خطا و اشتباه نیستند بنابراین لازم است در صورت ارتکاب عمل سو که از سر جهالت از آنان سر زده بلافاصله استغفار نمایند تا شاید مورد مغفرت الهی واقع شوند، اینجاست که ارزش و اهمیت استغفار و آموزش خواهی برای افراد مشخص می شود.

بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی بر مگردانید». پیامبر می فرماید: «ای قوم از خدا آموزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید و زنهار به نابکاری روی از خدای رحمان مگردانید». خداوند در این آیه هر چند از زبان پیامبر (ص) به قوم خود نقل می کند ولی در واقع همه ی ما را به مغفرت خواهی فرا می خواند تا تقصیر و قصورهائی را که در طول زندگانی مرتکب شده به گونه ای جبران و با مغفرت حق محو کنیم. هر چقدر عظمت حق درک و به کوتاهی خودمان دقت شود احساس ضرورت مغفرت خواهی بیشتر می شود سر این همه دعا و آموزش خواهی از اولیاء خداوند در همین معنی نهفته است. موشکافی اولیاء حق در تبیین قصور و تقصیرها بر خلاف غفلت هایی که در ما دیده می شود به روشنی دلالت بر این معنی می کند. بنابراین آموزش الهی به عنوان مهمترین عامل رهایی انسان از عذاب تلقی گردیده است.

از آنجایی که رابطه معنا داری بین استغفار و آموزش وجود دارد به طوری که گفته شده استغفار یکی از شرایط آموزش و مقدمه آن است در نتیجه اگر استغفاری صورت نگیرد آموزشی حاصل نخواهد شد، لذا ضرورت دارد بحث جایگاه و اهمیت استغفار و مکان و زمان آن به طور جداگانه مطرح شود تا ضرورت این موضوع بهتر تبیین گردد.

مغفرت طلبی و آموزش خواهی از خداوند غافر، امری است که بسیار مورد تاکید قرآن و پیشوایان دین قرار گرفته است. در کلام پیشوایان معصوم (ع)، مغفرت طلبی به عنوان بهترین دعا و عبادت، ارزشمندترین توسل، موثرترین سلاح گناهکاران و نجات بخش ترین شفیع مورد تاکید واقع شده است.

هر چند خداوند در جای جای قرآن دستوراتی درباره خودسازی، تقوا، مراقبه و محاسبه، یاد خدا و دوری از شیطان... برای رشد، کمال و رسیدن به سعادت ابدی و حیات جاودانه به مومنان داده است. اما از سوی دیگر به خاطر زندگی انسان در دنیای ماده و مادیات و وجود دشمنان سرسختی چون شیاطین، نفس اماره جهالت و شهوات ... گاه پرده بر روی اندیشه انسان افکنده شده و در پی تبعیت از آنها و ارتکاب گناه و معاصی زمینه سقوط و بدبختی او فراهم می شود. اینجاست که خداوند حکیم برای نجات انسان از ورطه تباهی، باب مغفرت و آموزش خواهی را به روی بندگان خویش گشوده تا راه برای بازگشت این انسان فریب خورده باز باشد و با امیدواری به لطف و رحمت بیکران الهی، بار دیگر برای تعالی روح خویش تلاش کند. (۱)

از آنجا که انسان همواره در معرض گناهان و وسوسه شیطانی قرار دارد و گاه در اثر غفلت ممکن است دچار لغزش و خطا شود توجه به خداوند و طلب آموزش از درگاه الهی نقش مهمی در جبران آلودگیها دارد.

انسان هر اندازه بر قله های دانش و عمل برسد به جهت فقر ذاتی خویش نمی تواند به شناختی نسبت به خدا دست یابد که بتواند بگوید او را شناخته و بر پایه این شناخت نسبت به او عمل کرده

آیات استفاده شود که نگهداری از عذاب آتش، همان مغفرت و جنت باشد نه چیز دیگر. (۵)

لزوم آموزش خواهی

در بیان بر لزوم آموزش خواهی برای همگان باید گفت: اولاً انسان در اثر غفلت و نادانی و یا غالب شدن غرایز حیوانی و هوای نفس بر قوه عقلانی، آلوده به گناه می شود اینجاست که انسان گناهکار باید بی درنگ خود را با طلب آموزش در معرض رحمت بیکران الهی قرار دهد و روح آلوده به گناه خویش را پاک گرداند تا از آثار سوء و زشت گناه در امان بماند و به مجازات و عقوبتهای الهی دچار نشود «و ما کانَ اللهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳)؛ «و تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند و تا آنان طلب آموزش می کنند خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود».

و در آیه دیگر قرآن کریم با توجه دادن به صفت بخشیدگی فراوان خدا همه را تشویق به توبه و طلب مغفرت کرده است و می فرماید: «أَفَلَا یَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/۷۴)؛ «چرا به درگاه خدا توبه نمی کند و از وی آموزش نمی خواهند؟ و خدا آمرزنده مهربان است».

در حقیقت انسان گناهکار در حال سقوط به طرف دره ی نابودی معنوی است و اگر دستگیره ای محکم برای نجات خویش نیابد به سرنوشت خطرناکی دچار می شود و مغفرت طلبی بهترین دستگیره ی نجات شخص خاطی است که خود را از سقوط کامل حفظ کند. ثانیاً هیچ کس نمی تواند حق پروردگار را آن طوری که شایسته مقام ربوبی اوست اداء کند و حقوق الهی را مراعات کند بلکه هر انسانی به اندازه ی معرفت و شناخت خویش به این امر مهم می پردازد. بر این اساس حتی خداشناس واقعی و عارف نیز از اعمال خود و عبادتهای خود شرم دارد و خود را در پیشگاه الهی متهم و بلکه مقصر می بیند.

هر چه معرفت و شناخت انسان از خدا بیشتر باشد ترس و خوف او بیشتر می شود: «إِنَّمَا یَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸)؛ «از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند». بنابراین انسان درد دارد و نیازمند به درمان می باشد چه گناهکار باشد چه نباشد، چنانچه خداوند متعال در این مورد در قرآن کریم می فرماید: «وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءًا أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/۱۱۰)؛ «و هر کس کار بدی کند یا بر خویش ستم کند سپس از خدا آموزش بخواهد خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت».

پیام این آیه این است که آموزش خواهی همراه با پاسخ مثبت الهی است. بعضی ها عقیده دارند که مفاد آیه فوق شمول بخشش خداوند نسبت به هر گناهی است چه کوچک چه بزرگ و ولو از آسمانها و زمین و کوهها هم بزرگتر باشد. (۶) پس گناهکارترین مردم هم با وجود آموزش خواهی نباید ناامید گردد مادام که این دستگیره معنوی نجات هست، پس عابدترین انسانها هم نیاز به مغفرت طلبی دارد و نباید خود را از آن بی نیاز ببیند.

اهمیت استغفار از جهات گوناگونی قابل تبیین است: ۱. پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیامبران به استغفار سفارش کرده و عموم مردم بدان فرمان داده شده اند. چنان که ۸ آیه، به آموزش خواهی ترغیب عمومی کرده و نزدیک به ۳۰ آیه، از استغفار پیامبران سخن به میان آورده و ۵ آیه نیز شخص رسول اکرم (ص) را به آن مامور کرده است. (۴)

۲. مطابق آیه: «الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا...» (غافر/۷)؛ «کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند، و آنها که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آموزش می کنند...» و «وَ الْمَلَائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فی الْأَرْضِ» (شوری/۵)؛ «و فرشتگان به ستایش خدای خود تسبیح گویند و برای اهل زمین از خدا مغفرت و آموزش طلبند». فرشتگان برای مومنان و اهل زمین استغفار می کنند.

۳. درخواست آموزش از گناه، صفت پرهیزکاران معرفی شده است. «... لِلَّذینَ اتَّقَوْا... الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمَتًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران/۱۶-۱۵)؛ «... کسانی که تقوا پیشه کرده اند... همان کسانی که می گویند: پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

این آیه توصیف متقین است و ایشان را بدین گونه معرفی می کند که می گویند «ربَّنَا» و در این کلمه با ذکر ربوبیت خدا اظهار عبودیت نموده، از او که پرورش دهنده ایشان است می خواهند به حالشان رحم کند و حاجتشان را بر آورد. «إِنَّا أَمَتًا...» در این جمله منظورشان این نیست که بر خدا منت نهاد که ما به تو ایمان آورده ایم، بلکه منظورشان این است که از خدا بخواهند وعده ای که به بندگانش داده که به وی ایمان آورید تا شما را بیامرزد: «وَ آمِنُوا بِهِ یَغْفِرْ لَکُمْ» (احقاف/۳۱)؛ «به خدا ایمان آورید تا شما را بیامرزد». در حق آنان منجز و عملی سازد به همین جهت «فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...» را با آوردن حرف فاء بر سر آن متفرع بر گفتار قبلی خود کردند، و در این که گفتار خود را با حرف «إِن» تاکید کردند برای این بود که بر صدق و ثباتشان در ایمان دلالت کند.

علت آوردن جمله «وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» بعد از جمله «فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» با اینکه بعد از مغفرت، دیگر آتشی نمی ماند این است که مغفرت مستلزم تخلص از عذاب نیست، به این معنا که نگهداری از عذاب آتش هم فضلی جداگانه از ناحیه خدا است که به هر یک از بندگانش بخواهد می دهد. و یا به نعیم بهشت متنعم می کند. برای اینکه ایمان به خدا و اطاعت از او، بنده را طلبکار از خدا نمی کند تا خدا به عنوان پرداخت حق او را از عذاب آتش پناه دهد یا به نعمت بهشت برساند، زیرا ایمان و اطاعت هم یکی از نعمتهایی است که خدا به بنده اش داده و بلکه بزرگترین نعمت اوست و بنده از ناحیه خودش چیزی را مالک نیست و حقی را ندارد مگر آن حقی را که خود خدا به عهده خود گرفته و یکی از آن حقوق همین است که اگر ایمان آوردند ایشان را بیامرزد، و یکی دیگر اینکه از عذاب محفوظشان بدارد. و چه بسا از بعضی از

نوعی حجاب از مشاهده او شمرده می‌شود. ج. چون انبیا هر لحظه در حال عروج به مقامات بالاتر هستند، در هر مرتبه، از مرتبه پیش استغفار می‌کنند. آموزش‌طلبی پیامبران در نظر برخی از اهل‌سنت که حتی ارتکاب گناهان کبیره را از ایشان محتمل می‌دانند، به معنای درخواست تبدیل گناهان بزرگ به گناهان کوچک یا درخواست مصونیت از اصرار بر صغایر است. و برخی از آنان با نفی احتمال ارتکاب گناه بزرگ، استغفار آنان را آموزش خواهی از گناهان کوچکی که پیش یا پس از بعثت از آنان سرزده است، می‌دانند. تا بدین وسیله، ضمن جبران خطاها از ثواب کارهایشان کاسته نشود. برخی نیز استغفار آنان را، آموزش‌خواهی از سهوی می‌دانند که ممکن است از آنان سر بزند. (۴)

آموزش خواهی فرشتگان

مطابق آیه «الَّذِينَ يَخْتَلِفُونَ أَلْعُرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...» (غافر/۷) و «وَ الْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (شوری/۵) فرشتگان برای مومنان و اهل زمین استغفار می‌کنند، با این تفاوت، که در آیه دوم، استغفار همه فرشتگان برای همه اهل زمین و در آیه نخست استغفار فرشتگان حامل عرش الهی و گرداگرد آن برای مومنان مطرح است، گرچه در هر دو آیه از استغفار فرشتگان برای دیگران سخن به میان آمده است و هرگز در جایی از قرآن سخنی از استغفار آنان برای خویش گفته نشده است. برخی دلیل آن را پاک بودن فرشتگان از هرگونه گناه می‌دانند و برخی دیگر آن را برای رعایت ادب دانسته که دعا کننده خود را فراموش و از دیگری یاد می‌کند، اما این وجه با فرمان خداوند به رسول خویش سازگار نیست که در آن، استغفار برای خویش را بر استغفار برای دیگران مقدم کرده است: «وَ اسْتَغْفِرْ لِنَفْسِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ...» (محمد/۱۹) مگر آنکه گفته شود منظور استغفار فرشتگان برای دیگران پس از استغفار برای خویش است (۸) که این توجیه نیز مستلزم تقدیر و حذف و خلاف اصل و ظاهر است، البته استغفار نکردن فرشتگان برای خویش بر خلاف تصور برخی مفسران برتری آنان را بر انبیا را ثابت نمی‌کند.

درباره این که در یک آیه از استغفار فرشتگان برای اهل زمین و در آیه دیگر از استغفار آنان فقط برای مومنان سخن به میان آمده، وجوهی گفته شده است:

الف. گرچه آنان برای همه اهل زمین استغفار می‌کنند، استغفارشان برای مومنان آموزش خواهی از گناه است ولی برای مشرکان، با توجه به نهی قرآن کریم از آن، درخواست سبب آموزش یعنی هدایت و ایمان برای آنان است. (۵)

بعضی نیز احتمال داده اند مقصود از استغفار فرشتگان برای اهل زمین، طلب ایمان برای آنان یا عدم نزول عذاب دنیایی بر آنان باشد.

ب. تعبیر «لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» در عموم صراحت ندارد، بنابراین هم می‌تواند همه اهل زمین و هم بعضی از آنها مقصود باشد.

چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «همانا دلم را کدورتی می‌پوشاند تا جایی که من هر روز و شب هفتاد بار از خداوند طلب آموزش می‌کنم» (۷) بدیهی است که پیامبر معصوم است و مرتکب گناه نمی‌شود تا قلبش به واسطه کدورتی پوشانده شود ولی پیامبر در جامعه ای زندگی می‌کند که با همه ی افراد مسلمان، غیر مسلمان، گناهکار و نیکوکار سروکار دارد، برای کدورت قلب پیامبر و روح لطیفش همین بس که در بین انسانهای مادی زندگی می‌کند و با آنها نشست و برخاست دارد. وقتی که ما نگاه می‌کنیم به پیامبر اسلام که هر شبانه روز هفتاد بار استغفار می‌کند با وجود اینکه معصوم هست و به هیچ گناهی مرتکب نشده است، ضرورت آموزش خواهی برای همگان روشن می‌شود.

آموزش خواهی پیامبران

استغفار انبیا(ع) برای خویش که حدود ۳۰ آیه از قرآن به آن اشاره دارد، به دلیل عصمت آنان از هر گناه، به معنای آموزش‌خواهی از گناه یعنی مخالفت با اوامر و نواهی مولوی نیست. پیامبران الهی از همه گناهان حتی صغایر معصومانند، زیرا همه مردم مأمورند از گناه و رفتار آنان پیروی کنند و این فرمان با ارتکاب گناه از سوی آنان سازگاری ندارد نیز قرآن، پیامبران را با وصف «مُخْلِصِينَ» ستوده است و در داستان یوسف (ع) می‌فرماید: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ» (یوسف/۲۴): «چرا که او از بندگان مخلص ما بود». و طبق آیات «فَبِعِزَّتِكَ لَا غَوِيَّ لَهُمْ أَجْمَعِينَ» (ع) عِبَادَكُمِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (صافات/۸۳-۸۲) شیطان برای اغوی بندگان مخلص خدا راهی ندارد. بر این اساس، آموزش خواهی انبیا(ع) از جنبه‌های گوناگون قابل تبیین است: الف. استغفار انبیا(ع) نوعی تعلیم به امتهاست تا بتوانند به وسیله آموزش خواهی، ضمن جبران گناهان خویش، رحمت الهی را شامل حال خود کنند. ب. منظور، آموزش‌خواهی از ترک اولی است، یعنی انجام دادن کار خوب با ترک کار بهتر. ج. مقصود از استغفار انبیا(ع)، استغفار آنان از گناهان امت خویش است. این مطلب در خصوص رسول خاتم(ص) نیز نقل شده است. د. استغفار پیامبران(ع) برای دفع و پیشگیری است و استغفار دیگران جنبه رفع دارد و از گناهایی که انجام داده‌اند، آموزش می‌طلبند. هـ. چون دعوت انبیا(ع) و از جمله پیامبر خاتم(ص) آثار گوناگونی داشت که برای مردم در ظاهر، دردناک و شوم بود و آن را گناه می‌پنداشتند، پیامبران از خدا می‌خواستند که این آثار از دید مردم پوشیده بماند تا آنان را مجرم ندانند، آن‌گونه که مردم مکه، رسول خدا را جنگ‌طلب و بی‌اعتنا به سنتهای راستین می‌پنداشتند، اما پس از صلح حدیبیه و فتح مکه واقعیت بر آنها آشکار شد. گذشته از وجوه یاد شده، برخی استغفار پیامبران را با توجه به مقام رفیع آنان، این‌گونه تبیین کرده‌اند: الف. پیامبران همچون دیگر انسانها، برای زندگی طبیعی خویش ناچار بودند بخشی از اوقات خود را برای رفع نیازهای مادی مانند خوردن و آشامیدن و... به‌کار گیرند و چون به همین مقدار، از سیر در ملکوت اعلا ی ربوبی باز می‌مانند، از خدای خویش طلب آموزش می‌کردند. ب. انبیا در استغفار خود از خدا می‌خواهند که به غیر او توجه نکنند، زیرا توجه به این امور در محضر خداوند،

ج. ممکن است گفته شود عموم آیه «يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» به وسیله آیه «يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» تبیین شده و در نتیجه فرشتگان فقط برای مومنان بخشودگی می‌طلبند. (۹)

د. فرشتگان، جز مومنان هیچ کس را نمی‌بینند زیرا بر اساس آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مُبْتَلًى فَالْحَيُّنَا وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» (انعام/۱۲۲) مومن نورانی است و دیده می‌شود پس استغفار آنان برای اهل زمین، فقط استغفار برای مومنان است.

آمزش خواهی برای مشرکان

قرآن کریم استغفار برای مشرکان را ممنوع کرده چنانچه در این باره می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (توبه/۱۱۳).

این آیه پیامبر و مومنان را از استغفار برای مشرکان باز می‌دارد بخاطر اینکه طبق آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» آمزش خواهی و استغفار برای مشرکان تأثیری ندارد. از سویی آمزش خواهی، نوعی اظهار محبت به مشرکان و پیوند با ایشان است که در بسیاری از موارد از آن نهی شده است.

برخی منع استغفار برای مشرکان را به این سبب دانسته اند که در بین متمایل شدگان به ایمان و اسلام، نوعی مفسده پدید می‌آید زیرا در صورت پذیرش استغفار برای مشرکان، این گمان پدید می‌آید که مومنان در این جهت هیچ گونه برتری بر مشرکان ندارند. (۱۰)

قرآن کریم پس از طرح ممنوعیت استغفار برای مشرکان در آیه مذکور، به سر استغفار ابراهیم (ع) برای آزر اشاره می‌کند که این آمزش خواهی، زمانی بوده که ابراهیم (ع) همچنان به ایمان آوردن وی امیدوار بوده است، به همین سبب برای هدایت آزر به راه راست، به وی وعده آمزش خواهی داد و به این وعده وفا کرد. اما زمانی که دشمنی او با خدا آشکار شد از وی تبری جست. «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه/۱۱۴).

در شأن نزول آیه فوق آمده است که گروهی از مسلمانان، از رسول خدا (ص) پرسیدند: آیا برای نیاکان ما که در جاهلیت مرده اند، از خدا بخشش نمی‌طلبی؟ خداوند با نزول آیه یاد شده به آنها پاسخ داد که پیامبر و مومنان، حق استغفار برای مشرکان را ندارند. (۱۱)

در شأن نزول دیگری در منابع شیعه و اهل سنت آمده است که علی (ع) آمزش طلبی مسلمانی را برای پدر و مادر مشرک خویش شنید و به او اعتراض کرد. وی گفت: پس چگونه ابراهیم برای والدین مشرک خویش از خدا آمزش خواست؟ علی (ع) پرسش او را به رسول خدا (ص) رسانید آنگاه آیات ۱۱۴-۱۱۳ توبه نازل شد. در شأن نزول دیگری مقصود، استغفار رسول خدا (ص) برای ابوطالب (۱۲) یا آمنه (۱۳) دانسته شده، در حالی این شأن نزول به ادله متعدد از سوی محققان رد شده است از جمله: ۱. ضعف خبر یاد شده به دلیل نقل آن از سوی سعید بن مسیب که برخی از منابع رجالی از او مذمت، و برخی نیز از اظهار نظر درباره وی

خودداری کرده اند، افزون بر این بعضی از منابع دیگر، روایت سعید بن مسیب را به سبب دشمنی او با اهل بیت (ع) فاقد اعتبار می‌دانند. ۲. مشهور، بلکه مسلم است که سوره توبه در سال نهم هجری نازل شده، در حالی که وفات ابوطالب (ع) در سال دهم بعثت بوده است. بنابراین شأن نزول یاد شده در متن خود از جهت تاریخی دارای تضاد است، تا جایی که برخی از تفاسیر در حل آن توجیهاات نامقبولی چون دوبار نازل شدن آیه یا امکان استغفار پیامبر (ص) برای ابوطالب از زمان وفات او تا هنگام نزول آیه را مطرح کرده اند، ولی به این نکته که چگونه پیامبر (ص) سالها به عموی مشرک خود اظهار دوستی و ابراز محبت داشته، اشاره نکرده اند. در حالی که خداوند آشکارا و مکرراً او را از محبت به مشرکان بازداشته بود. (۱۴) ۳. در بخشی از همین شأن نزول، ابوطالب اظهار داشت که من بر دین عبدالمطلب هستم و موحد بودن عبدالمطلب از نظر شیعه و بسیاری از اهل سنت مسلم است. (۹) از عباس بن عبدالمطلب نیز نقل می‌شود که ابوطالب پیش از وفات، به توحید و رسالت اقرار کرد و اشعار به جای مانده از وی موید این مطلب است، برخی نیز معتقدند ابوطالب ایمان خود را کتمان می‌کرد تا بدینوسیله بتواند از رسول اکرم (ص) بهتر حمایت کند. (۵)

با این اوصاف می‌توان گفت شأن نزولی که مرحوم طبرسی برای آیه مذکور بیان نموده، نزدیک به واقع بوده که مورد تأیید اکثر مفسران نیز می‌باشد.

پس شرک از بزرگترین گناهانی است که هرگز بخشیده نمی‌شود و صاحب خود را به هلاکت می‌رساند. خداوند نیز فرد مشرک را تا ابد از غفران و رحمتش بیرون رانده است.

زمان و مکان استغفار

خداوند از باب لطف به بندگان خود ماهها، روزها، ساعات و مکانهایی را به عنوان فرصت در اختیار بندگانش قرار داده تا از آن برای استغفار از گناه استفاده و خودشان را از آلودگی های معنوی پاک کنند. استغفار به زمان و مکان خاص و وضعیت ویژه ای محدود نیست، ولی در حالات و موقعیتهای مختلف زمانی و مکانی نقش ویژه خود را دارد و بیشتر مقرون به پذیرش از ناحیه خداوند است.

الف. زمان استغفار

در مورد زمان استغفار در قرآن به شب و شب زنده داری توجه خاصی شده است و همه معنویت ها در شب بوجود آمده و می‌آید، چنان که شب، بستر مناسبی برای نزول فیض الهی: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/۱) و برای عروج عبد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا» (اسراء/۱) است. قرآن کریم در آیات «وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِأَلْسِنِهِمْ» (آل عمران/۱۷) و «وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات/۱۸) با صراحت سحر را برای استغفار بر می‌گزیند. در ظلمات شب، نور هدایت از عنایات الهی تجلی کرده و به قلب مومن شب زنده دار نورانیت می‌بخشد.

برخی دیگر از مفسران نیز زمانهای دیگری، چون شب جمعه، شهبای سیزدهم تا پانزدهم رجب، و وقت نماز شب را مناسب برای آموزش طلبی دانسته اند (۱۵).

در میان ماههای سال ماه رجب به عنوان ماه استغفار و روی آوردن به خداوند برای طلب آموزش یاد شده است و می توان این ماه را بهار مغفرت الهی نامید و این ماه دارای فضائل زیادی است و نسبت به عبادت و استغفار در آن تأکید فراوانی شده است، رسول خدا(ص) در خصوص اهمیت استغفار در این ماه می فرماید: «رجب ماه استغفار و آموزش طلبیدن برای امت من است، در این ماه زیاد استغفار کنید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است ماه رجب، ماه من است در ماه رجب زیاد بگویید «استغفرالله» و از خدا بخواهید از تقصیرتان درگذرد و توبه شما را نسبت به گذشته بپذیرد و نسبت به باقیمانده عمرتان شما را از خطا و لغزش نگاه دارد. به ماه رجب اصب گفته شده است زیر در این ماه، رحمت خداوند پی در پی بر امت من ریزش می کند.» (۱۶).

مهمترین ماهی که در سال به آموزش طلبی و استغفار در آن سفارش شده ماه مبارک رمضان است. ماهی که ماه رحمت و مغفرت و برکت نام گرفته است ماهی که در آن دست و پای شیطان و مریدانش در غل و زنجیر است و درهای آسمان باز، ابواب رحمت حق گشوده و درهای جهنم بسته و دعای در آن مستجاب است. این ماه را بهترین فرصت برای استغفار و مغفرت طلبی از گناه می دانند. از آن جا که همه انسانها غیر از اولیای دین و معصومان، در معرض خطا و گناه و اشتباه و عصیان هستند هیچ انسانی از ارتکاب گناه مصون نیست.

انسانی که اندوه گناه او را می آزارد، خاضعانه به دنبال فرصتی می گردد تا با استغفار، زنگارهای معصیت را از آینه دل و جان خود زوده و بار دیگر جان تیره را همچون آینه درخشان و روشن و تابنده نماید. و برای او ماه مبارک رمضان بهترین فرصت است چرا که در این ماه شریف تمامی زمینه های آموزش از سوی خداوند فراهم است و بر گنجهکار فرض است که از فرصت بی بدیل به بهترین وجه بهره برداری کند.

الف. بازبودن درهای رحمت و بسته بودن درهای غضب الهی. ب. در بند بودن شیطان: آدمی در مسیر حرکت به سوی کمال و قرب پروردگار با موانع بسیاری مواجه است که یکی از این موانع که در واقع مانعی اساسی نیز محسوب می گردد، وجود دشمنی سرسخت و حسود به نام شیطان است که بنا به نقل قرآن کریم از روز نخست خلقت آدم (ع) کمر به گمراهی اولاد آدم (ع) بسته و در جای جای این کتاب آسمانی از او بنام «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف/۵) یاد شده و با وجود چنین دشمن عنودی برآستی حرکت در صراط مستقیم بسی مشکل است مگر آنکه دست لطف الهی یاریگر آدمی گردد. یکی از الطاف الهی در ماه مبارک رمضان بر انسان مستغفر، در غل و زنجیر بودن این خصم پلید و اعوان و انصارش می باشد که در نتیجه آدمی آزادانه و بدون برخورد با این موانع صعب و سخت می تواند به سوی خداوند رجوع کرده و آموزش بخواهد و به صراط عبودیت بازگردد.

واژه سحر (بروزن بشر) در اصل به معنی «پوشیده و پنهان بودن است و چون در ساعات آخر شب پوشیدگی خاصی بر همه چیز حکومت می کند نام آن سحر گذاشته شده است. لغت سحر بر وزن شعر نیز از همین ماده است زیرا شخص ساحر دست به کارهایی می زند که اسرار آن از دیگران پوشیده و پنهان است عرب به ربه و شش نیز گاهی سحر (بروزن بشر) می گوید و این هم به خاطر پوشیده بودن درون آن می باشد.

چرا در میان اوقات شبانه روز تنها به وقت سحر اشاره شده است در حالی که استغفار و بازگشت به سوی خدا در هر حال مطلوب است؟ این برای آن است که سحر به خاطر آرامش و سکوت تعطیل کارهای مادی و نشاطی که بعد از استراحت و خواب به انسان دست می دهد آمادگی بیشتری برای توجه به خداوند به او می بخشد و این معنی را به آسانی با تجربه می توان دریافت، حتی بسیاری از دانشمندان برای حل مشکلات علمی از آن وقت استفاده می کردند. زیرا چراغ فکر و روح انسان در آن وقت از هر زمان پر فروغ تر و درخشان تر است و از آنجا که روح عبادت و استغفار توجه و حضور دل می باشد عبادت و استغفار در چنین ساعتی از همه ساعات گرانبهاتر خواهد بود.

امام صادق(ع) در تفسیر آیه فوق می فرماید: هر کس در نماز وتر هفتاد بار بگوید استغفرالله ربی و اتوب الیه و تا یک سال این عمل را ادامه دهد خداوند او را از استغفارکنندگان در سحر قرار می دهد و او را مشمول عفو و رحمت خود قرار می دهد. (۱۴)

برخی از رازهای اهمیت استغفار در سحرگاه را می توان چنین تبیین کرد: ۱. سحرگاه خوش ترین اوقات خواب به شمار می آید و کسی که در این زمان از لذت خواب چشم پیوسته و به عبادت خدا بپردازد، اطاعت و بندگی او کامل تر است. (۹) ۲. سحرگاه یعنی بخشی از شب که در آن آرامش خاصی حکمفرماست، زمینه مناسبی برای دعا بوده، استغفار و عبادت در آن تأثیر بسزایی دارد: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا» (مزمّل/۶).

استغفارکنندگان در سحر را این گروهها دانسته اند: ۱. برگزار کنندگان نماز صبح به صورت جماعت. ۲. کسانی که تا سحر مشغول نماز بوده، آنگاه به استغفار و دعا می پردازند. (۱۱) افرادی که هنگام طلوع فجر صادق، بیدار و شاهد آن هستند (۱۲). در آیه ای نیز خداوند پس از آنکه به حج گزاران فرمان می دهد به سوی سرزمین منا کوچ کنند به آنان دستور استغفار می دهد: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ...» (بقره/۱۹۹).

در آیه: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (یوسف/۹۸) طبق نظر قریب به اتفاق مفسران، برتری مغفرت طلبی در سحر در مقایسه با زمانهای دیگر را گوشزد می کند. در آیه اخیر، که فرزندان خطا کار یعقوب (ع) از وی خواستند تا برای گناهیانی که در حق پدر و مادر خود مرتکب شده اند برای آنان از خداوند آموزش بطلبد، یعقوب(ع) گفت: در آینده برایتان از خدا آموزش می طلبم. بیشتر روایات ناظر به آیه یاد شده تصریح می کنند که منظور او از آینده، سحر بوده است (۱۱).

اختصاص به موارد مذکور ندارد، مکان های دیگری از جمله مسجد الحرام و مسجد النبی و بارگاه مظهر هر یک از اهل بیت (ع) و عتبات عالیات و هم چنین برخی از اولیای دیگر نیز وجود دارد که مومنان می توانند به ریسمان رحمت خدا در این زمان ها و مکان ها چنگ بزنند و آمرزش گناهان خود را طلب کنند.

پس با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که از آداب استغفار و آمرزش خواهی آن است که شخص افزون بر اعتراف به خطا و گناه در زمان های خاصی بدان بپردازد زیرا نقش و اقتدار زمان ها و یا مکان های خاص قابل انکار نیست. یعنی گرچه استغفار محدود به زمان و مکان خاصی نیست اما خداوند برای برخی زمان ها و مکان ها اقتدار و قداست خاصی قائل شده است و استغفار در این زمان ها و مکان ها را زودتر اجابت می کند. از جمله اوقاتی که طلب مغفرت در آن بسیار سفارش شده، استغفار در سحرگاهان است نیز استغفار در صحرای عرفات و منا بیشتر تاکید شده است.

۷. آثار آمرزش خواهی

استغفار باعث ریزش گناه شده و انسان را همچون روز تولد از آلودگی گناه پاک می سازد در عین حال در آیات فراوانی به آن سفارش شده است و همه را دعوت به استغفار نموده تا شاید رستگار شوند و مورد مغفرت خداوند قرار گیرند. براساس آیه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳)؛ «ولی تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده‌ی ایشان نخواهد بود». تا زمانی که مردم اهل آمرزش خواهی باشند، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد. در آیه دیگر به طور صراحت قرآن می فرماید، مغفرت طلبی و آمرزش خواهی سبب طولانی شدن عمرها می شود آنجا که می فرماید: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (هود/۴)؛ «و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، تا اینکه شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته‌ی نعمتی از کرم خود عطا کند، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم».

نیز استغفار باعث پاکی و صفای قلب شده، انسان را به خدا نزدیک می کند. از دیدگاه قرآن، قلب انسان با ارزش ترین چیزهاست. قلب محور شخصیتی فرد را تشکیل می دهد و جایگاه الهی است انسانی که به گناه آلوده می شود این گناه در قلبش اثر می گذارد، لذا برای از بین بردن تیرگی های روحی باید انسان دائماً به یاد خدا باشد و از کردار و اعمال ناشایسته اش به سوی خداوند متعال بازگشت نموده و طلب مغفرت و آمرزش نماید. چنانکه قرآن کریم به ما می آموزد: «فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود/۶۱)؛ «پس از او آمرزش بخواهید، آن گاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارتان نزدیک و اجابت کننده است».

ج. اجابت دعا: یکی از بهترین نعمتهای الهی برای ما آدمیان همین اجازه ای است که خداوند به ما داده تا با او سخن بگوییم و نیازها و خواسته های خود را از او درخواست نماییم. خداوند عزیز در این جهت نه تنها اجازه فرموده، بلکه اصولاً امر فرموده و ترک دعا را موجب محرومیت از توجه خودش به ما اعلام داشته است هم چنان که می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ» (غافر/۷۷)؛ «بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی کند».

آمرزش خواهی از خداوند، یکی از مهمترین حاجتهای همیشگی آدمی بوده است و از آنجا که دعای روزه دار در این ماه شریف به طور قطع و یقین مورد اجابت خداوند است پس چه فرصتی بهتر از ماه مبارک رمضان برای برخورداری از آمرزش آن هم از طریق دعاهاست مستجاب.

د. توفیق سحرخیزی: در ارزش ماه مبارک رمضان همین بس کسانی که قبلاً تهجد و شب زنده داری نمی کردند در این ماه بالاچار فرصتی فراهم می شود که اینان نیز شب زنده داری می کنند و برخورداری از نسیم لطف و رحمت خداوند را در طول یک ماه تجربه می کنند و از آمرزش خداوند در این اوقات بهره مند می گردند. بر انسان کنجکاو واجب است قدر سحرهای این ماه شریف را به نیکی دانسته و با عزمی مردانه به سوی خداوند و رحمت و مغفرتش بازگشت نماید که کلید تمامی سعادتها در همین استغفار سحرگاهان و آمرزش خواهی نیمه شب قرار دارد. پس ماه مبارک رمضان برای کسی که در اثر غفلت و فراموشی آلوده به معاصی گردیده و طلب زدودن زنگار گناه از لوح دل و جان خویش است نیکوترین زمان است و بهترین فرصت و آنکه در اثر کثرت گناهان مهر سیاهی و بیچارگی بر پیشانی اش خورده، چنانچه این فرصت ارزشمند را از دست دهد جز هلاکت بهره ای نخواهد داشت.

ب. مکان استغفار

حج یک عمل عبادی عظیم است و آثار معنوی فراوانی دارد تا آنجا که کمترین اثر رفتن به حج و انجام مناسکش، ریزش گناهان و شستشوی دل و جان از گناه ذکر گردیده است.

این اثر در مورد بعضی از اعمال حج مثل حضور در صحرای عرفات نیز آمده است. وقتی حاجی در صحرای عرفات حاضر می گردد هنگام غروب که از آنجا به مقصد مشعر خارج می شود از گناهان خود بیرون می رود مثل روزی که متولد شده به گونه ای که هیچ گناهی بر او نیست.

ولی با همه ی این برکات حج، وقتی خداوند دستور کوچ کردن از عرفات و مشعر را می دهد بلافاصله سفارش به استغفار و طلب آمرزش می کند و می فرماید: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۹۹)؛ «پس از همان جا که انبوه مردم روانه می شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است».

منا و عرفات از جمله سرزمین های بسیار مقدسی هستند که دعا و استغفار در آن تاثیر فوق العاده ای دارد. البته مکان های مقدس

7. Faiz Kashani, Muhammad Bin Mortaza, Al-Mahja Al-Bayda, Islamic Publications Office, Qom, second edition, 10, vol.7.
8. Sadeghi Tehrani, Mohammad, Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an with Al-Qur'an, Islamic Culture Publications, Qom, second edition, 1365.
9. Fakhr al-Din Razi, Muhammad bin Omar, Mufatih al-Ghaib, Revival of Arab Heritage, Beirut, third edition, 1420.
10. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir, Tahrir and Al-Tanweer, Bina, Bija, Bisha, Bita.
11. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, translated by: Reza Sotoudeh and others, Farahani Publications, Tehran, first edition, 1360.
12. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Dar al-Marafa, Beirut, first edition, 1412 AH.
13. Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, third edition, 1407 AH
14. Makarem Shirazi, Nasser and others, Tafsir al-Islamiyya, Dar al-Kutb al-Islamiya, Tehran, first edition, 1374.
15. Qortubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jaami Lahkam al-Qur'an, Nasser Khosrow Publishing House, Tehran, first edition, 1364.
16. Majlesi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar, Al-Wafa Institute, Beirut, second edition, 1404 AH.

نتیجه گیری

به این نتیجه رسیدیم که مغفرت از ریشه «غفر» و به معنای سترو پوشاندن است و در اصطلاح گناهان بندگان را پوشاندن و از خطاها و گناهانشان درگذشتن. نیز استغفار به معنای آموزش خواهی بوده و در اصطلاح یعنی درخواست آموزش برای گناهان از پیشگاه خداوند. اگر آموزش الهی نباشد و هر کس بخاطر گناهی که انجام داده کفر و عذاب ببیند دیگر روح امید در او از بین می رود و همه ناامید و مأیوس از رحمت و مغفرت الهی می شوند منتهی این غفران الهی سبب شده تا بندگان گناهکار خداوند بعد از ارتکاب گناه اگر چنانچه پشیمان شوند و خود را اصلاح کنند گناهان آنان را ببخشد و اینکه آیات و احادیث فراوانی مردم را ترغیب به استغفار و مغفرت طلبی کرده که این دلالت بر اهمیت این موضوع می باشد. همچنین استغفار خواهی مختص به زمان و مکان خاصی نیست بلکه مطابق آیات قرآن و احادیث ائمه (ع) بعضی زمان ها و مکان ها مقدس بوده و استغفار در آنها سفارش شده است. بنابراین به نظر می رسد که استغفار در سحرگاهان و شب های جمعه، عرفه و ... و در مسجد الحرام، صحرای عرفات و منا و ... بهتر و موثرتر خواهد بود.

References

- The Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Fouladvand.
1. Faqih Muqaddas, Nafisa, repentance in the Qur'an, the voice of justice, August 2013.
 2. Sharif, Reza, the conditions and manners of asking for forgiveness from the perspective of the Qur'an, Kayhan newspaper, B.
 3. Ray Shahri, Mohammad, Mizan al-Hikama, Dar al-Hadith Publishing House, Qom, first edition, 1375.
 4. Hashemi Rafsanjani, Akbar and others, The Holy Qur'an Encyclopaedia, prepared and edited by the Center for Qur'anic Culture and Education, Bostan Kitab, Qom, first edition, 1382.
 5. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Islamic Publications of the Qom Seminary Society, Qom, fifth edition, 1374.
 6. Siyuti, Jalal al-Din, Al-Dar al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Ayatollah Murashi Najafi Library, Qom, Bicha, 1404 AH.